

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، مکاشفه

درس شماره ۳۷

پرستش آسمانی! (۱)

مکاشفه ۴: ۱- ۱۱

آیه حفظی برای ۱۷ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، عبرانیان ۱۲: ۲۹

"خدای ما آتش فرو برنده است،"

آیه حفظی برای ۲۴ ماه سپتامبر سال ۲۰۲۶

کتاب مقدس، مکاشفه ۴: ۱۱

"ای خداوند، مستحق که جلال و اکرام و قوت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را
آفریده ای

و محض اراده تو بودند و آفریده شدند."

با فیض خدا، بخش جدیدی از مطالعاتمان را از کتاب مکاشفه شروع می کنیم. مکاشفه فصلهای ۴ و ۵ که در آنها با پرستش در عرش خدا روبرو می شویم.

اکثریت انسانها علاقه خاصی به اطلاعات در مورد زندگی پس از مرگ دارند.

ادعاهای عجیب و کاذب کسانی که می گویند به بهشت رفته اند و برگشته اند.

بر خلاف اینگونه ادعاهای بی اساس، کتاب مقدس در مورد دو نفر که حقیقتاً به عرش خدا رفته و برگشته اند شهادت می دهد: اولین در انجیل مقدس، ۲ قرنیتان ۱۲، تجربه پولس رسول است، که در آیه ۴ می فرماید:

"که به فردوس رבוته شدم و سخنان ناگفتنی شنیدم که انسان را جایز نیست به آنها تکلم کند."

پولس منع شده بود از بازگو نمودن آن

حالا بر خلاف پولس، در تجربه یوحنا رسول در فصلهای ۴ و ۵ کتاب مکاشفه، به یوحنا اجازه داده شد تا جزئیات رفتن اش به عرش خدا را بازگو کند. یوحنا در روای به عرش خدا می رود و در آنجا پرستش آسمانی را می بیند.

چرا این دو فصل در اینجا در کتاب مکاشفه هستند؟ تا به ما یاد آوری کنند که علی رغم دوران مصیبت بر زمین، خدای ما بر ما تخت سلطنت خود با اقتدار نشسته، و علی رغم آنچه بر زمین می گذرد، خدای ما پیروز است و در نهایت کلیسای او نیز پیروز خواهد بود.

این رویای دوم یوحنا است.

رویای اول در فصل اول، ملاقات با مسیح زنده و جلال یافته است.

یوحنا رسول ما را با خودش به عرش خدا می برد.

در ابتدا کلام خدا را بشنوید، **مکاشفه ۴: ۱-۱۱**.

کلام خدا: ۱ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون کرّنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.

۲ فی‌الفور در روح شدم و دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای.

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرّد دارد

۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تختها بیست و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و بر سر ایشان تاجهای زرّین.

۵ و از تخت، برقها و صداها و رعدها برمی‌آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا می‌باشند.

۶ و در پیش تخت، دریایی از شیشه مانند بلور و در میان تخت و گرداگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند.

۷ و حیوان اوّل مانند شیر بود؛ و حیوان دوّم مانند گوساله؛ و حیوان سوّم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده.

۸ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش بال دارد، گرداگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن قدّوس قدّوس قدّوس، خداوند خدای قادر مطلق که بود و هست و می‌آید.

۹ و چون آن حیوانات جلال و تکریم و سپاس به آن تخت‌نشین که تا ابدالآباد زنده است می‌خوانند،

۱۰ آنگاه آن بیست و چهارپیر میافتند در حضور آن تختنشین و او را که تا ابدالآباد زنده است عبادت می‌کنند و تاجهای خود را پیش تخت انداخته، می‌گویند،

۱۱ ای خداوند، مستحقّی که جلال و اکرام و قوّت را بیایی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.

دعا: دعای داشته باشیم برای درک درست کلام خدا و اطاعت درست بر اساس آن درک درست.

مطالعه امروز:

آیه ۱: بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای در آسمان باز شده است و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون کرّنا با من سخن می‌گفت، دیگر باره می‌گوید، به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از این باید واقع شود به تو بنمایم.

"بعد از این": اشاره می‌کند به بعد از رویای فصل ۱ و ۷ پیغام به ۷ کلیسا

شما می‌توانید تقسیم بندی کتاب مکاشفه را در ۱: ۱۹ پیدا کنید. خود روح القدس این کتاب را برای ما قسمت بندی کرده است.

سه قسمت:

اول: فصل ۱، "چیزهایی را که دیدی"، زمان گذشته، فصل ۱، ملاقات بامسیح جلال یافته در جزیره پطمس

دوم: فصلهای ۲، ۳، "چیزهایی که هستند"، زمان حال، عصر کلیسا

سوم: فصلهای ۴-۲۲، "چیزهایی که بعد از این خواهند شد"، زمان آینده، وقایع ایام آخر

ما الآن وارد قسمت سوم کتاب مکاشفه می‌شویم.

هیچ اشاره ای به کلیسا در فصلهای ۴-۲۲ نمی‌شود. چرا؟ چون کلیسای مسیح پیش از شروع دوران ۷ ساله مصیبت به آسمان به یک بعد دیگر هستی، بحضور خداوند عیسی مسیح به بالا برده می‌شود. در فصلهای ۱-۳، ۱۹ بار به کلیسا اشاره می‌شود. در فصلهای ۴-۲۲ یکبار هم نمی‌شود.

حالا، سنوالی که ممکنه پیش بیاد اینه: خوب اصلاً برای چی این فصلهای ۴-۲۲ را مطالعه کنیم وقتی که ما به عنوان ایمانداران مسیحی بر روی زمین نیستیم؟ چونکه، سایه هر چیزی به پشت اش می‌افتد وقتی روبروی آفتاب هستید. اگرچه ما در دروان ۷ ساله مصیبت نخواهیم بود ولی سایه وقایع ۷ سال مصیبت بر ما افتاده است.

در این دو فصل ۴ و ۵، تمرکز بر روی عرش و تخت خدا در آسمان است. علی رغم تمامی چیزهای که در راه هستند، علی رغم برخاستن آن مرد شریر، ضد مسیح از خاورمیانه، خدای ما، پدر و پسر و روح القدس سلطنت می کنند.

کلمه تخت (یا تخت خدا) چندین بار در این دو فصل ۴ و ۵ تکرار شده است.

با در نظر گرفتن زمینه مابقی کتاب مکاشفه اهمیت این موضوع چیست؟

این است که علی رغم تمامی فعالیت های شیطان در آن دروان ۷ سال بر روی زمین، خدای کتاب مقدس، پدر و پسر و روح القدس، بر جهان سلطنت می کنند، همه چیز زیر کنترل اوست. خدا عامل بدی نیست ولی بر جهان، بر کل و جزش حاکمیت مطلق دارد. نقشه اش به پیش می رود.

کاربردش برای ما چیست؟

بنابراین در طوفان های زندگیتان بر خداوند حاکم، غیر قابل تغییر و همیشه قابل اعتمادمان، عیسی مسیح اتکا کنید. او علی رغم همه طوفانها بر جهان و بر زندگی شما حاکمیت مطلق دارد. **عبرانیان ۱۳: ۸**

"عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالابد همان است."

همه چیز در فصل ۴ محور تخت خدا می گردد. این حاکمیت مطلق خدا را می رساند.

بر تخت، پدر آسمانی نشسته، در سمت راستش، عیسی مسیح، و در مقابل تخت، روح القدس در فصلهای ۴ و ۵، پرستش آسمانی را می بینیم، که پیش درآمدی هستند برای رویدادهای آینده (فصلهای ۶-۲۲)، ۷ سال دوران مصیب، سپس بازگشت مسیح و سلطنت هزار ساله مسیح، و دوران ابدیت.

آیه ۱: "دیدم که ناگاه دروازه ای در آسمان باز شده است،" اجازه ورود به یوحنا به بُعد دیگر هستی.

اهمیت کلمه "ناگاه": بهت، ترس

یوحنا به آسمان سوم می رود، همانطور که برای پولس در **۲ قرن تیان ۱۲: ۲**، تجربه شد:

شخصی را در مسیح می شناسم، چهارده سال قبل از این. آیا در جسم؟ نمی دانم! و آیا بیرون از جسم؟ نمی دانم! خدا می داند. چنین شخصی که تا آسمان سوم رفته شده.

آسمان اول: آتمسفر زمین، آسمان دوم: فضای بین ستارگان، آسمان سوم: بُعد دیگر هستی: عرش خدا

مسیح بعد از صعودش به کجا رفت؟ به آسمان سوم، عرش پدر، یوحنا ۱۴: ۱-۳

۱ دل شما مضطرب نشود! به خدا ایمان آورید به من نیز ایمان آورید.

۲ در خانه پدر من منزل بسیار است والا به شما می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم،

۳ و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم، باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد تا جایی که من می‌باشم شما نیز باشید.

"باز می‌آیم و شما را برداشته با خود خواهم برد،" به ربوده شدن کلیسا، به بالا رفتن کلیسا، به عرش آسمان، یعنی یک بعد دیگر هستی، اشاره می‌کند.

یوحنا از دیدگاه عرش خدا مابقی کتاب مکاشفه را می‌نویسد.

به زندگی از دیدگاه عرش خدا نگاه کنید. از دیدگاه حاکمیت خداوندان عیسی مسیح.

مکاشفه ۴، آیه ۱ قسمت دوم آیه، به چه کسی اشاره می‌کند؟ "و آن آواز اوّل را که شنیده بودم که چون **کرنا با من سخن می‌گفت**،" این صدای پرقدرت خداوند زنده و جلال یافته ما عیسی مسیح است.

چرا می‌گوید: "چون کرنا با من سخن می‌گفت؟" قدرت و تسلط ندای خداوند عیسی مسیح را می‌خواهد برساند. علی رغم تمامی سر و صدای های این دنیا، صدای آن شبان نیکو، خداوند ما عیسی مسیح با اقتدار و فراسوی تمامی سر و صداها این دنیا است.

تخت خدا

مکاشفه ۴: ۲ ب الی ۳ الف:

"دیدم که تختی در آسمان قائم است و بر آن تخت نشیننده‌ای.

۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و قوس قزحی در گرد تخت که به منظر شباهت به زمرد دارد."

تمرکز بر روی جلال تخت خدا، و جلال کسی که بر آن نشسته است. و او پدر آسمانی است.

یوحنا می‌گوید "**در روح شدم**،" یعنی روح القدس یوحنا را به حضور عرش خدا منتقل کرد،

و یوحنا شگفت زده است از آن عظمت و زیبایی تخت خدا که می‌بیند.

این تخت سمبلی است از سلطنت خدای پدر بر جهان!

این تخت خدای پدر در قسمت **معبد آسمانی** در **عرش خدا** قرار گرفته است. بلکه در آسمان در آن بُعد دیگر هستی **معبدی آسمانی** وجود دارد که **خیمه عبادتی که موسی ساخت** و سپس **معبدی که سلیمان** در اورشلیم ساخت بر اساس الگویی بود که خداوند به آنان نشان داده و الهام داده بود، **تثنیه ۲۶: ۲۹**.

و یوحنا می گوید، آن تخت "قائم است" یعنی استوار ایستاده است.

اهمیت و کاربرد همین یک عبارت کوتاه، در آن زمینه رویدادهای مکاشفه ۶- ۲۲ چیست؟ برای ما چیست؟ عبرانیان ۱۳: ۸

"عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است."

علی رغم تمامی حوادث این دنیا سلطنت و اقتدار خداوند ما عیسی مسیح بر جهان استوار است.